

پژوهش های

# ایـــــــران شنـــــــاسـی

پـرســش و پـاســـخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

مجموعه مقالات وبگاه ایران شنــاسی

# رئالیسم در ادبِ کهنِ پارسی


www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM


سال های

۱۳۹۲-۱۳۸٦


نوشته ی دکترمحمودرضاافتخارزاده


******

# رئالیسم ادبی

# درادبیات کلاسیک پارسی!

نگارش و نمایش نخست : دی ماه ۱۳۸۶خورشیدی/ ویرایش و نمایش دوم :آبان ماه ۱۳۹۱خورشیدی

**پرسش :**

**رئالیسم در ادبیات کلاسیک پارسی (نثر صنعتی سده ی هشتم هجری) چگونه بوده است ؟**

**پاسخ :**

**نثرپارسی این دوره رااین ویژگی هاست: « تکلّفاتِ بدیعی ، واژگانِ تازی و اصطلاحاتِ علمی» که نـــثرپـــارسی رامشکل و فهم آن را دشوار می سازد. نمونه :**

**«به سبب تغییرِ روزگار، و تأثیرِ فلکِ دوّار ، و گردشِ گردونِ دُون ، و اختلافِ عالم بوقلمون ، مَدارس درس مُندرس،ومعالمِ علمِ مُنطمس، وطبقاتِ عاقل وعالم و طالب و فاضل لگد کوب حوادث ، ومغضوب و محسودِ اجامر و اوباش ، و پای مال زمانه ی غدّار و روزگارِ مکّار گشته به صُنُوف فِتن و صُروف مِحن گرفتار ،پراکنده و پریشان در آفاق عالم ، سر درگریبان ، گمنام و بی نشان و یا در حجاب و نقابِ تراب پنهان ! بدین سان ساحتِ این ارضِ قُدس که مَنبع علما و مَجمعِ فضلا و مَربَع هنرمندان و مَرتَعِ خردمندان و مَشرعِ کُفاهٔ و مَکرعِ[۱] دُهاهٔ بود از عقل و علم و هنر خالی شد و جمعی که به حقیقت تامّ و تمام مصداقِ آیه ی شریفه«وَ خَلَفَ مِن بَعدهم خَلفٌ اَضاعوُا الصّلوهٔ واتّبعوا الشّهوات » دارندباقیماندندتاآنجاکه کذب وتزویر را وعظ و تذکیر دانند، تحریز و نمیمت را صرامت و شهامت نام نهند و لودگی و ژولیدگی و پلیدی و لمشتی را فضل و هنر شناسند ، هریک از اَبناءُ الّسوق در زیِّ اهلِ فُسوق امیری گشته و هر مزدوری دُستوری و هر مُزّوری وزیری و هر مُدبری مُدیری و هر مُسرفی مُشرفی و هر شیطانی صاحب دیوانی و هر پاچالداری خداوند حُرمت و جاهی و هر خَسی کسی و هر خَسیسی رئیسی وهر پخمه ای نخبه ای وهر خمره ای خبره ای وهر غادری قادری و هر حمّالی از مساعدت بخت و اقبال با فُسحَت حالی و هر فرومایه ی بی ریشه ای در قالب گرانمایه ی با پیشینه ای . در چنین زمانه ای که قحط سالِ مروّت و فتّوت باشد و روز بازارِ ضلالت و جهالت ، اَخیار ممتحن و خوار، و اَشرار متمکن و سرِ کار . کریمِ فاضل، تافته ی دامِ محنت است**

**و لئیمِ جاهل، یافته ی کامِ نعمت ، هر گرانمایه و عزیزی در دستِ فرومایه ای گرفتار . در این میان فرومایگان افسار پاره کرده گستاخی ازحدگذرانده،رُقی و کنیز و قلی و غلام ، شده اند :یلدا و ناهید و فریبرز و نیما ! در این غوغا و فوضا و اعوجاج جمعی بی اصل و نسب ،ناروازاده و ناروا لقمه و بس فرومایه ، فرار را بر قرار ترجیح ، شرق را از لوث وجود عاری ، به فرنگ تاخته در آن دیار پس از عمری تن بارگی و قوّادی و قحبگی و مزدوری ، سپرِچوبین و بوقِ سفالین به دست گرفته ، بر فراز امواج شیطانی رعایای بی نوای بی سر و پا را مخاطب ساخته ، از خود فروشی خسته و به میهن فروشی جسته ، غیرت دینی و ناموس ملی را به حراج گذاشته ، چون سگان یله ، پاره استخوان های باستان به دندان گرفته نیش می نمایند و بَرُوت[۲]تیز می کنند».**





# اَلـدِّراســاتُ الايــرانيِّـــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحث و الكاتب الايرانى

الدکتورمحمودرضاافتخارزاده

*********

# IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH